

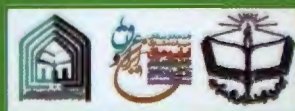


پژوهشی در عربی سرایان آذری زبان مرتبط با کشور عراق

جعفر رحمن زاده صوفیاتی

نشر مجمع ذخائر اسلامی

با همکاری مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث
به مناسبت اولین همایش بین المللی میراث مشترک ایران و عراق
اسفند ۱۳۹۳ ش / مارس ۲۰۱۵ م





دیرخانہ نویس حمایش بہن علی میرا شتیک ایران قہ
ایران قہ



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی
- رحمن زاده صوفیانی، جعفر، ۱۳۶۴ -
عربی سرایان آذری زبان : پژوهشی در عربی سرایان
آذری زبان مرتبط با کشور عراق / جعفر رحمن زاده صوفیانی.
قم: مجمع ذخایر اسلامی: مؤسسه آل البيت عليهم
السلام لاحیاء التراث، ۱۴۳۶ق. = ۲۰۱۵م. = ۱۳۹۳ .
: ۳۷۲ص.
: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۸-۷۷۵-۳
: فیفا
: شاعران ایرانی (عرب زبان)؟؟
: شاعران ترک (فارسی زبان)؟؟
: ادبیات تطبیقی -- ایرانی و عربی
: ادبیات تطبیقی -- عربی و فارسی
: همایش بین المللی میراث مشترک ایران و عراق (نخستین : ۱۳۹۳ : تهران و غیره)
: ۱۳۹۳ ۲۴۴/۳۸۵۲۹۲ PJA
: ۸۹۲/۷۱
: ۳۷۳۵۵۹۵



عربی سرایان آذری زبان

پژوهشی در عربی سرایان آذری زبان مرتبط با کشور عراق

جعفر رحمن زاده صوفیانی

کلیه حقوق این اثر تحت قانون کپی رایت بوده و ترجمه یا چاپ تمام یا بخشی از مطالب آن و نیز درج تمام یا بخشی از آنها در ضمن بانکهای اطلاعاتی و تهیه برنامه‌های رایانه‌ای یا استفاده مطالب و تصاویر در اینترنت و دیگر ابزار و ادوات، به هر نحوی، بدون اجازه قبلی ناشر بصورت کتبی، ممنوع می‌باشد.

© MAJMA AL-DAKAAIR AL-ISLAMYYAH, 2015

All rights reserved, No part of this book may be reproduced or translated in any form, by print, internet, photo print, microfilm, CDs or any other means without written permission from the publisher



مجمع ذخائر اسلامی - قم، ایران
با همکاری مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث

عربی‌سرایان آذری زبان

جعفر رحمن زاده صوفیانی

چاپ: ظهور / صحافی: نفیس
نشر: مجمع ذخائر اسلامی - قم
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۳ ش (۲۰۱۵م)

ISBN: 978-964-988-775-3

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۸-۷۷۵-۳

ارتباط با ناشر

قم: خیابان طالقانی (آذر) - کوی ۲۳ - پلاک ۱ - مجمع ذخائر اسلامی
تلفن: ۰۹۱۲ ۲۵۲ ۴۳۳۵ - همراه: ۰۹۸ ۲۵۳ ۷۷۰ ۱۱۱۹ - دورنگار: ۰۹۸ ۲۵۳ ۷۷۱ ۳۷۴۰

نشانی پایگاههای اینترنتی:

www.zakhair.net

www.mzi.ir

info@zakhair.net

info@mzi.ir

قیمت: ۳۶.۰۰۰ تومان/۴۰ دلار



به نام خداوند مهربان و بخشناينده

ترکيب «ميراثِ مشترک» برآمده از حقيقتي است که هم تنوع و گوناگوني و هم اشتراکات و همبستگي‌هاي فرهنگي، اجتماعي و معرفتي را در قالبی به نام «گذشته» و «تاريخ» يادآور می‌شود. از دل اختلاف و تفاوت، اشتراک؛ و از بطن اشتراک، تفاوت سربرمی‌آورد. اما در اين میان، همجوارِ جغرافيايي، تعلقات به آرمان‌هاي یکسان، زبان، هنر و شراکت در ايجاد و پرورش مکاتب علمي، تفاوت‌ها و اختلاف‌ها را در مُحاق و زاويه فراموشي متوقف می‌کند.

پيشينه اشتراکات در حوزه‌هاي گوناگون بشري میان دو سرزمين و يا بهتر بگوئيم دو ملت ايران و عراق، از مرزهاي تاريخ نيز آن‌سوتر می‌رود و ناگزير بايد از صفحات دييجيتال، اوراق دائره‌المعارف‌ها، برگ‌هاي نسخه‌هاي خطی و پوست نوشته‌ها بگذريم و به الواح سنگي و نقوش غارها برسيم. اين گذشته بشکوه و بسيار دراز دامن و سرشار از افتخار، بخش مهمی از تمدن بشري را به تصوير می‌کشد و مردمان اين دو سرزمين کهن را به پيگيري و تکاپو در راه پيشرفت و تعالی فرامي‌خواند.

در طول ساليان گذشته، پژوهش‌هاي چشمگيري در رابطه با ميراث مشترک ايران و عراق به عنوان دو نماينده فرهنگ و تمدن شرقي و خاورميانه، به‌ويژه با تلاش مستشرقين و خاورشناسان که روش‌هاي جديد و علمي پژوهش را بنياد نهاده‌اند و علوم باستان‌شناسي، انسان‌شناسي و مطالعات در زمينه تمدن‌ها را پايه‌گذاري کرده‌اند، صورت گرفته و در پي اين پژوهش‌ها، مراکز

علمی دو کشور ایران و عراق نیز به تدوین و نگارش کتابها و مقالاتی در حوزه شناختن بهتر و کامل‌تر از میراث گذشتگان خود، پرداخته‌اند.

«همایش میراث مشترک ایران و عراق» در زمانی برپایمی‌شود که اگرچه جامعه جهانی بیش از پیش به نزدیکی کشورها، و ملت‌ها می‌اندیشد و سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی هر روز بر قابلیت‌ها و دستاوردهای خود می‌افزاید، در عین حال، دیدگاه‌ها و اقدامات مخرب ضد انسانی و تنگ‌نظرانه، در نقاط مختلف دنیا، به خصوص، خاورمیانه، میراث جهانی صلح و احترام به انسان را به چالش می‌کشند.

این همایش، با زنده کردن یادمان نزدیکی و همبستگی انسانی و اسلامی دو سرزمین ایران و عراق، صدها متفکر، پژوهشگر و دست‌اندرکار علمی، سیاسی و اقتصادی را گرد هم آورده تا به بازان‌دیشی، بازخوانی و شناخت بهتر و نظام‌مند در زمینه میراث این دو کشور دست یازند. گفتنی‌ست نگارش و ارائه صدها کتاب و مقاله تحقیقی در موضوعات مرتبط از دستاوردهای همایش مزبور است.

دبیرخانه اولین همایش بین‌المللی

میراث مشترک ایران و عراق

اسفند ۱۳۹۳ ش / مارس ۲۰۱۵ م

فهرست

صفحه	عنوان
۸.....	مقدمه‌ی همایش.....
۱۵.....	پیشگفتار.....
۱۸.....	ابراهیم تبریزی.....
۲۰.....	ابراهیم چهرگانی.....
۲۱.....	ابراهیم دروازه‌ای.....
۲۵.....	ابراهیم مشکینی.....
۲۶.....	ابو الحسن میرزا شیخ الرئيس قاجار.....
۳۳.....	ابو القاسم سلماسی.....
۳۴.....	ابو القاسم قاضی ملک.....
۳۶.....	ابو المکارم حسینی زنجانى.....
۴۰.....	ابو جنید اردبیلی.....
۴۱.....	احمد خوئینی قزوینی.....
۴۳.....	احمد مجتهد مغانی تبریزی.....
۴۸.....	احمد مدرس زنجانى صدرى.....
۵۷.....	اسماعیل مرندى.....
۵۹.....	بدیل خاقانى شروانى.....
۶۵.....	جواد حسینی خویی نجفی.....
۶۶.....	جواد سلطان القرائی تبریزی.....
۶۸.....	حسین حسینی تبریزی قزوینی.....
۷۰.....	حسین نجف تبریزی نجفی.....
۸۰.....	حمید نجف تبریزی نجفی.....
۸۱.....	داود پاشا.....
۸۳.....	راضی نجفی تبریزی.....
۸۷.....	رضی زنوزی تبریزی.....
۸۹.....	زلفعلی قاضی زنجانى.....

۹۰.....	زین العابدین ابهری.....
۹۳.....	شهاب الدین ابو عبد الله محمد خویی.....
۹۵.....	صادق مجتهد تبریزی.....
۱۰۲.....	صدر الدین محمد تبریزی.....
۱۰۴.....	سید آقا عباد زنجانی.....
۱۰۵.....	عباس میرزا.....
۱۱۰.....	عباس مصباح زاده منجم.....
۱۱۵.....	عبد الحسین میلانی.....
۱۱۶.....	عبد الصمد خامنه‌ای تبریزی.....
۱۲۲.....	عبد الله کاوندی زنجانی.....
۱۲۶.....	عبد المناف اردبیلی.....
۱۲۸.....	عبد الوهاب نمازی خویی.....
۱۳۰.....	علی اکبر مرندی.....
۱۳۳.....	علی بن حسکویه مراغی.....
۱۳۴.....	علی ترکی.....
۱۳۴.....	علی ثقة الاسلام تبریزی.....
۱۴۱.....	علی خاکمردانی نجفی.....
۱۴۶.....	علی خوئینی قزوینی.....
۱۴۷.....	علی قاضی طباطبایی.....
۱۵۶.....	علی مجتهد خیابانی تبریزی.....
۱۶۰.....	علی مجتهد علیاری تبریزی.....
۱۶۴.....	علی موسوی ترک.....
۱۶۹.....	علیقلی شیشه‌ای.....
۱۷۱.....	عماد الدین نسیمی شروانی.....
۱۷۴.....	عمر سهروردی.....
۱۷۸.....	فتحعلی زنجانی.....
۱۸۰.....	فضلعلی مولوی تبریزی.....
۱۸۶.....	لطفعلی مغانی تبریزی.....

۱۸۸.....	مثلی حلبی تبریزی.....
۱۸۹.....	مجتبی حاتمی لنکرانی.....
۱۹۱.....	محسن مدرس عماد اردبیلی.....
۱۹۶.....	محمد امین امامی خویی.....
۲۰۲.....	محمد امین شامی.....
۲۰۳.....	محمد باغدرقی خویی.....
۲۰۴.....	محمد باقر ایروانی نجفی.....
۲۰۶.....	محمد باقر سلماسی.....
۲۰۸.....	محمد تبریزی نجفی.....
۲۰۹.....	محمد تقی حسنی زنوزی خویی.....
۲۱۱.....	محمد تقی نیر تبریزی.....
۲۲۵.....	محمد جواد مهربانی تبریزی.....
۲۲۷.....	محمد حسن افشار بگشلو ارومی.....
۲۲۸.....	محمد حسن زنوزی.....
۲۳۳.....	محمد حسن علیاری.....
۲۳۷.....	محمد حسین کمپانی اصفهانی.....
۲۴۵.....	محمد حسین گرمودی.....
۲۴۶.....	محمد خلخالی.....
۲۴۷.....	محمد رضا تبریزی نجفی.....
۲۴۹.....	محمد رضی تبریزی.....
۲۵۳.....	محمد زنجانی.....
۲۵۶.....	محمد زنجانی.....
۲۵۸.....	محمد شریف ایروانی نجفی.....
۲۵۹.....	محمد طه نجف.....
۲۶۳.....	محمد علی حسینی تبریزی.....
۲۶۵.....	محمد علی صفوت.....
۲۷۱.....	محمد علی غروی اردوبادی.....
۲۸۰.....	محمد علی قراجه داغی اونساری.....

۲۸۳.....	محمد فضولی بغدادی.....
۲۹۱.....	محمد قاسم اردوبادی.....
۲۹۷.....	محمد مرندی نجفی.....
۳۰۰.....	محمد مودود حسنی علوی تبریزی.....
۳۰۰.....	محمد میلانی.....
۳۰۲.....	محمود اصولی خویی.....
۳۰۴.....	محمود شیخ الاسلام تبریزی.....
۳۰۸.....	محمود نظام العلماء.....
۳۱۰.....	مصطفی مجتهد تبریزی.....
۳۱۸.....	مهدی حسینی خویی.....
۳۱۹.....	مهر علی خویی.....
۳۲۶.....	موسی ایروانی.....
۳۲۷.....	موسی تبریزی.....
۳۳۰.....	میرزا حاج آقای خویی.....
۳۳۱.....	نجفقلی سرشار قراجه داغی.....
۳۳۳.....	هاتف اصفهانی.....
۳۴۱.....	هدایت الله غروی تبریزی.....
۳۴۸.....	هلال الدین اسماعیل نجفی خویی.....
۳۵۰.....	همام الدین محمد تبریزی.....
۳۵۴.....	یوسف دهخوارقانی.....
۳۵۶.....	یوسف مجتهد تبریزی.....
۳۶۰.....	منابع و مأخذ.....

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

اهمیت پرتو افکنی بر روابط و کنش و واکنش‌های ملت‌ها بر یک‌دیگر و نیز بایستگی و ارسی میزان تاثیر گذاری و تاثیر پذیری اقوام گوناگون از همدیگر در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، نیازمند یادآوری و گوشزد به اهل دانش و خرد نیست. از این روی، نگاه گسترده به روابط کشورها در عرصه‌های یاد شده و نیز توجه به زیر ساخت‌های مشترک فرهنگی، امری مورد اعتنا و بایسته در علوم گوناگونی بمانند: تاریخ، جغرافیا، ادبیات، روابط بین الملل و علوم سیاسی و مملکت‌داری به شمار می‌آید.

ارتباط دیرینه‌ی فرهنگی، تاریخی، دینی، سیاسی و اجتماعی ملت‌ها و کشورهای گوناگون با یک‌دیگر، اهمیت این بررسی را دو چندان می‌کند و انگیزه‌ی واکاوی این مقوله در میادین مختلف را ضرورتی مضاعف می‌بخشد، چنان ضرورتی که غفلت از آن، از میان رفتن حافظه‌ی تاریخی و فراموش کردن بخش بزرگ و قابل اعتنایی از فرهنگ خودی را به ارمغان می‌آورد و موجبات بریدگی فرهنگی نسل‌ها را فراهم می‌سازد.

زیر ذره‌بین نهادن حضور زبانی یک قوم - که می‌توان دریچه‌ی فرهنگی هر قوم را زبان آن قوم بدانیم - در فرهنگ قوم دیگر، ما را به بزرگترین، دیرینه‌ترین و عمیق‌ترین دادوستد میان دو فرهنگ و ملت رهنمون می‌شود و از این روش می‌توان به نموده‌های دیگر این ارتباط پی برد. در راستای همین دقیقه، می‌توان از تلاش‌های دو بزرگ‌مرد تاریخ، فرهنگ و ادب ایران زمین نام برد که یکی در عرصه‌ی روابط زبانی-ادبی ایران و هند به چنین پژوهشی دست یازید (مرحوم احمد گلچین معانی در کتاب دو جلدی کاروان هند)^۱ و دیگری در صحنه‌ی حضور زبانی ایران در امپراطوری عثمانی دست به قلم بُرد. (مرحوم دکتر محمد امین ریاحی خویی در کتاب زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی)^۲

هنگامی که از سوی همایش بین المللی میراث مشترک ایران و عراق، پیشنهاد ارسال

(۱) با این شناسنامه: کاروان هند: احمد گلچین معانی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ ش، ۲ جلد، چاپ اول

(۲) با این شناسنامه: زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی: دکتر محمد امین ریاحی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۰ ش، چاپ دوم

مقاله به آن همایش را دریافت کردم، ورد زبان بزرگ‌مردی که خداوند بزرگ سایه‌ی پر برکت او را بر فرهنگ و اندیشه‌ی ایران و اسلام مستدام دارد، به ذهنم خطور کرد که همیشه می‌فرمود و می‌فرماید: **دنبال کارهای خلأ پُر کن و زمین مانده بروید.**

موضوعات چندی را با سرلوحه قرار دادن سفارش آن بزرگ‌مرد از خیال گذرانده، پس از محاسبه‌ی زمان محدود همایش و نیز میزان دسترسی سریع به منابع، با دبیر محترم همایش تماس گرفتم و پیشنهاد دادم کتاب پیش‌رو که چند ماه پیش ایده‌ای بیش نبود را به نگارش در آورم. پیشنهاد با استقبال آن بزرگوار مواجه شد و نگارنده به گردآوری و برگه‌نویسی جهت نگارش این کتاب پُر لغزش پرداختم.

از آن‌جایی که همایش به میراث مشترک ایران و عراق مربوط می‌شد، **عربی‌سرایان آذری زبان** که به نحوی در ارتباط با کشور عراق بودند را انتخاب کردم: آذری زبان عربی‌سُراکه:

* یا در عراق زاده شده؛

* یا در آن سامان درس خوانده؛

* یا در یکی از مقابر آن کشور مدفون شده؛

* و یا اینکه مسافرت و اقامت طولانی در آن دیار داشته‌اند.

جنگ‌ها و تذکرة‌های ادبی، کتاب‌های ترجمه و شرح حال، تاریخ شهرهای گوناگون و منابع مرتبط دیگر را برای گردآوری مجموعه‌ی پیش‌رو و رسیدم و پس از گردآوری برگه‌های فراوان، به تدوین داده‌ها پرداختم. از یادآوری منابع مراجعه نشده پرهیز کردم و اختلاف و یا اشتباه منابع را با اعتماد بر منبع موثق یادآوری نمودم. در شرح حال سرایندگان به داده‌های تاریخی مهم بسنده کردم و از آوردن القاب و عناوین برای شخصیت‌ها دوری جست. برای هر شاعر در صورت دسترسی، نمونه شعر آورده شد و تلاش بر این بود که بیشتر سروده‌ها به جهت رعایت تناسب موضوع، به زبان عربی باشد، هرچند در برخی موارد و به جهت تنوع، به یاد کرد سروده‌های آذری و فارسی نیز پرداختم. در یادکرد سروده‌هایی که به شکل گوناگون در منابع آمده بود، بر منبع استوار تکیه کردم و

در ترتیب فهرست شخصیت‌ها، نام کوچک آن‌ها با رعایت ترتیب حروف الفبا، ملاک قرار داده شد. ناگفته نماند به جهت تنگنای زمانی از یادکرد سخن سرایان قزوینی در این مجموعه چشم‌پوشی شد.

پژوهش پیش‌رو اگر چه آغازگر چنین موضوعی در عرصه‌ی ادبیات تطبیقی ایران و عراق به شمار می‌آید، ولی هرگز مدعی‌ی پایان کار نیست که خوش گفته‌اند:

گمان مبر که به پایان رسید کار مُغان هزار باده‌ی ناخورده در رگ تاک است

محدودیت زمانی، دسترسی نداشتن به منابع بیش‌تر، بی‌سابقه بودن موضوع، بضاعت مزجاة نگارنده، خطای دید و لغزش قلم، عذر تقصیر نویسنده در پیش‌گاه ارباب ادب و دانش خواهد بود تا پژوهش فروتنانه‌ی پیش‌رو را به دید نقد و نظر بسنجند و کریمانه از کنار آن مرور نکنند.

استاد عبد الحسین جواهر کلام با وجود اشتغالات فراوان و نیز در فرصت بسیار اندک، قبول زحمت نموده، کتاب را خواندند و نکات ارزشمندی را در مسیر اصلاح برخی ایرادات و نیز افزودن بعضی فواید گوشزد نمودند؛ صمیمانه قدردان این غنیمت بزرگ عرصه‌ی تراجم نگاری هستم.

از متولیان داخلی و خارجی این همایش به ویژه جناب حجت الاسلام سید صادق حسینی اشکوری که حقیر را مورد مهر قرار داده، به این همایش دعوت کردند، نیز سپاسگزارم.

وَأَخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

روز دوشنبه

۱۵ دی ماه ۱۳۹۳ خورشیدی

۱۳ ربیع الأول ۱۴۳۶ قمری

جعفر رحمن‌زاده صوفیانی



میرزا ابراهیم، فرزند عبد الجلیل وزیر تبریزی، در سده ۱۳ ق دیده بر جهان گشود. تحصیلات خود را در اصفهان و سپس در عتبات عالیات به فرجام رساند و راهی تبریز شد. شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی برجسته‌ترین اساتید وی بودند. نامبرده در شمار دانشمندان شیخی مسلک قرار داشت و از دانش خوبی بهره‌مند بود. منشی‌گری در دستگاه اجرایی قائم مقام فراهانی را پیشه‌ی خود ساخت و در کنار کارهای اجرایی به نگارش کتاب و سرودن اشعار به دو زبان فارسی و عربی پرداخت.

نمونه سروده

ای همایون خطه‌ی تبریز، ای فخر البلاد
چند داد ایزد تو را این وسعت و این حوصله
تا مقرر شوکت شه شد زمینت از شرف
برتر از اوج سماوات آمدی صد مرحله
چند گه بهر تفرج شاه گشت ار از تو دور
شاد باش اکنون به سویت باز گردد خوش دله

۳) با مولانا مالک قزوینی دیلمی خوشنویس و شاعر سده ۱۰ ق خلط نشود. درباره‌ی دومی مراجعه کنید به: تحفه سامی ۱۳۶:

روضات الجنان ۱/۳۶۹؛ مفاخر آذربایجان ۳/۱۴۲۶

گر ز بآس‌اش شمه‌ای خوانند بر گوش وحوش
گرگ دارد چون شبان روز و شبان پاس گله

آثار مکتوب

- (۱) اصول دین و فروع آن [به نام قهرمان میرزا و محمد خان در دو مقاله]؛
- (۲) تحفة الملوک فی سر السلوک [به نام محمد میرزا ولیعهد فتحعلیشاه قاجار در چهار رکن در موضوع عرفان، اخلاق و سیاست به تاریخ ۱۲۴۷ ق]؛
- (۳) حقائق الشریعة [منسوب به وی]؛
- (۴) حقائق العلوم [به نام محمد شاه و در عتبات عالیات]؛
- (۵) مآثر سلطانی [در قالب سفرنامه نویسی و وقایع نگاری].

منابع

- ✍ تذکره شعرای آذربایجان ۲/۲۵-۲۷
- ✍ دانشمندان آذربایجان ۵۴-۵۵
- ✍ سخنوران آذربایجان ۱/۱۹۵-۱۹۶
- ✍ مشاهیر ادب ۱۷-۱۸
- ✍ مفاخر آذربایجان ۳/۱۴۲۵-۱۴۲۶



ملا ابراهیم، فرزند ملا کریم، فرزند ملا رحیم، فرزند ملا اسماعیل و او فرزند ملا ابراهیم چهرگانی فقیه بلند مرتبه‌ی چهرگانی بود.

در چهرگان، و از خاندان روحانی تولد یافت و پس از سپری نمودن بخشی از تحصیلات به نجف اشرف رهسپار شد. اطلاعات چندانی درباره‌ی وی در دست نمی‌باشد و همین اندازه می‌دانیم که نامبرده با حاج آقا حسین امام جمعه‌ی خویی (م ۱۲۶۹ق) و میرزا علی اشرف تسوجی معاصر و هم‌درس بود و در مدرسه‌ی دینی چهرگان به سید حسین حسینی کوهکمری، مشهور به سید حسین ترک، سمّت استادی داشت.

قبرش در روستای چهرگان است و تاریخ فوت وی بر روی سنگ‌مزار، سال ۱۲۸۲ق ثبت شده است.

نمونه سروده

داعی الخلق إلى الحق بسرّ وعلن
بعد أن جاء من الله بشرع و سنن
و بتول طهرت ذات بلاء و محن
الذي استشهد بسمّ مسمی بحسن
بعیال و نفوس و برأس و بدن

رَبَّنَا صَلِّ عَلَى جَدِّ حَسَنِ وَ حَسَنِ
نَسْخَ دِينِهِ أَدِيَانِ جَمِيعاً فَمَحَا
وَ أَخِيهِ الَّذِي مَا أَتْرَكَ طَرْفَةً عَيْنِ
وَ إِمَامَ بَشَرٍ سَبَطَ رَسُولُ الثَّقَلَيْنِ
وَ حَسَنِ هُوَ مَنْ فَازَ بِرَبِّ الْحَرَمَيْنِ

ترحوا جسمه ما بین دماء و تراب	عارياً ما له سدر و حنوط و کفن
کیف لا تبکی له العین بدمع و دماء	ما سقوا شربة ماء غیر غم و حزن
لعن الله یزیداً و علی آل یزید	قتلوه بحجار و سیوف و طعن
أحرقوا خیمته ثم سبوا نسوته	شددوا أیدیهم بطناب و رسن
بعدهم صلّ علی ساجد زین للعباد	و علی الباقر و الصادق فی کل زمن
و کظیم و رضا و تقی و نقی	و ابنه الکامل فی العلم و فی خلق حسن
و علی حجتک قائم عجل فرجه	یملأ الأرض بقسط بعد ظلم و فتن
غضب الله علی جاهدهم فی العرصات	و علی غاصب حق لعلی و لعن
و استجب دعوتنا و أسق جمیع الحضرات	سیما عبدک إبراهیم من نحر اللین

منابع

له دانشنامه ارونق و انزاب (نامداران) ۳/مخطوط

له دعوت حق ۱/مخطوط



سید ابراهیم، فرزند سید مهدی موسوی دروازه‌ای، به سال ۱۳۱۳ ق در تبریز زاده شد. آموزش ابتدایی را در مکتب‌خانه‌های سنتی پشت سر نهاد و در جرگه‌ی طلاب علوم

دینی وارد آمد. نزد حضرات آیات: سید ابو الحسن انگجی، سید محمد مولانا و میرزا حسن مجتهد تبریزی به تکمیل سطح عالی دانش های دینی پرداخت و رهسپار دانشگاه بزرگ علوی علیه السلام در نجف اشرف شد. در محاضرات اساطین سترگی بمانند حضرات اعلام: ملا فتح الله شیخ الشریعی اصفهانی، شیخ عبد الله مامقانی و شیخ محمد تقی حائری شیرازی مشارکت جست و پس از انجام تحصیلات اجتهادی به زادگاه خود مراجعت نمود.

نامبرده به دریافت اجازات اجتهادی از حضرات آیات: سید ابو الحسن انگجی و سید ابو الحسن موسوی اصفهانی نائل آمد و عمر خود را در راه تبلیغ دین و تربیت طلاب به



سرکرد. بر ادب عربی احاطه‌ی شگرف داشت و به سرودن اشعار عربی در موضوعات دینی می‌پرداخت.

۹ رجب المرجب ۱۳۸۱ ق/ ۲۸ آذر ۱۳۴۰ ش به روز دوشنبه، در تهران بدرود حیات گفت و پیکرش پس از حمل به قم در قبرستان نو مدفون شد.

برادرش علامه سید هادی سینا استاد دانشگاه معقول و منقول بود که در سال ۱۳۴۲ ش در گذشت و پسرش سید مهدی امین محرر، معروف و مشهور به دروازه‌ای

در جرگه‌ی روحانیت قرار داشت و به تاریخ ۲۸ آذر ۱۳۷۸ ق درگذشت.

نمونه سروده

قصیده‌ی بلندی در موضوع تبعید علمای آذربایجان توسط رضاشاه پهلوی در سال ۱۳۴۷ ق سروده است که چند بیت آن به قرار زیر است:

يا حجة الرحمن يا بن العسكري
يا من به السبع الشداد تشيدت
والله قد طال النوى بعد المدى
من للشرعة والهدى ومن الذي
أحكام دين الله فينا غطلت
قرآنكم قد ضيعت أحكامه
أركان دين المصطفى هدمت فلا
وجه البسيطة أمتلى ظلماً وقد
يا أيها الملك العزيز المقتدر
الله أكبر أي أمر قد جلا
هذي الرزايا أم مصائب طفكم
والله ما أنسى الحسين بن النبي
وأستشهدت أنصاره، أجسادهم
والله ليل ثالث من شهرنا
والناس في غمّه وفي سكر وما
قُم يا ولي الله وأنظر ما جرى
نوابكم قد شردوا من أرضهم
ولد الرسول الطهر آل المصطفى
بعض إلى الري بلدة الطهران قد
وأذلة الإسلام بعد فجيعة

يا من بيمن وجوده رزق الورى
والأرض قد قرت وما تحت الثرى
ضاق الصدور وغار صبر يصيرا
نشكو إليه سواك يا خير الورى
شرع النبي محمد قد غيّرنا
ويذل المعروف منه منكرا
عين بقت منه ولا أثر يرى
أغرّت الآفاق ممّا قد نرى
عجل بنا، ضاق القضا مجارى
سبحان ربي من قضاء قدرا
قد أقرحت أجفانكم إذ تذكرا
إذ كان فرداً واحداً بين العرى
مطروحة كالأعلى وجه الثرى
أولي الجمادي ليل حشر قد أرى
من ملجأ يلجى إليه في الورى
في الليل من خطب على وجه الثرى
فكأنهم جنوا الذي لن يغفري
بيد العدى أخذوا وما من منصرا
سيروا وبعض نحو كرد سيرا
قد تحرق الأكباد إذ ما تذكرا

ومساجد إسم الله فيها يذكر
وصلى الإله لهم وسادات الورى

هجموا على هدم المقابر كلها
تباً لهم رغبوا عن الدين الذي

آثار مكتوب

- (۱) تحفة الأخبار في علائم آخر الأعصار؛
- (۲) تفسير قرآن كريم؛
- (۳) حاشيه بر رسائل؛
- (۴) حاشيه بر لمعه؛
- (۵) حاشيه بر مغنى؛
- (۶) حاشيه بر مطول؛
- (۷) ديوان شعر؛
- (۸) كتاب الصلاة؛
- (۹) كشكول؛
- (۱۰) اللطائف الأدبية في الحكايات الأصمعية.

منابع

- تبريز ما/۳-۱۲۲۴-۱۲۲۵
تربت پاكان قم/۱-۱۹۲-۱۹۷
تبيان صادق ۶۴-۶۶
سرگذشت آيت الله انگجى ۱۷۰-۱۷۵
تجنيه دانشمندان ۵۲/۶-۵۵
تعالمان آل محمد ۲۱۳-۲۱۴
تمشاهير ادب ۱۹-۲۳
معجم رجال الفكر والأدب/۱-۱۹۰-۱۹۱
مفاخر آذربايجان/۱-۳۳۹-۳۴۲
نامداران تاريخ ۲۷۹/۲-۲۸۳



میرزا ابراهیم، فرزند شیخ صفر علی و او فرزند حسن خان مشکینی، ۲۹ شوال ۱۳۴۳ ق در اردبیل زاده شد.

به همراه والد در ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۴۵ ق رهسپار نجف اشرف شد و پس از گذراندن روزگار کودکی، در مدرسه‌ی ایرانی‌ها به گرفتن مدرک ششم ابتدایی موفق شد. در سال ۱۳۵۷ ق به سامرا رفت و سپس به سال ۱۳۶۲ ق به نجف اشرف مراجعت فرمود. درس حوزه را به شکل جدی نزد حضرات اساتید: مدرس افغانی، شمس تبریزی، احمد اشکوری و سید محمد تقی آل راضی آغاز نمود. سطوح را از محضر حضرات: شیخ مجتبی لنکرانی، میرزا باقر زنجانی و صدرا بادکوبه‌ای فرا آموخت و سپس در سال ۱۳۷۱ ق از محاضرات خارج آیت الله سید ابو القاسم خویی کامیاب شد. نامبرده همچنین از دروس خارج حضرات آیات: سید محسن طباطبایی حکیم، سید محمود شاهرودی و شیخ حسین حلی بهره‌مند شد.

سال ۱۳۷۶ ق با صلاح‌الدین اساتید به تبلیغ در عراق اشتغال جست و با کمونیست‌ها به مقابله‌ی فکری پرداخت. مساجد و مدارس و حسینیه‌های فراوانی را در عراق سامان داده، بنیاد نهاد و روز دوم رمضان المبارک ۱۳۹۵ ق به قم مهاجرت کرد. وی سرانجام به درخواست و اصرار اردبیلی‌ها در زادگاه خود ساکن شد و خدمات فراوانی را انجام داد. نامبرده اجازات فراوانی از سوی اساتید و مشایخ نجف اشرف دریافت نموده است.

آثار مکتوب

- (۱) دیوان شعر [به سه زبان]؛
- (۲) تقریرات فقه و اصول اساتید خارج؛
- (۳) شرح الصمدیة؛
- (۴) شرح السيوطي؛
- (۵) شرح مباحث الألفاظ للكفاية؛
- (۶) تفسیر سورة الحمد؛
- (۷) تفسیر سورة البقرة؛
- (۸) أصحاب الإجماع وثلاثون من فطاحل العلماء؛
- (۹) مجالس طيبة.

منبع

لله یادداشت‌های استاد عبد الحسین جواهر کلام



ابو الحسن میرزا شیخ رئیس، فرزند حسام السلطنة شاهزاده محمد تقی و نواده‌ی فتحعلی شاه قاجار از پسر هشتم، به سال ۱۲۲۶ ق/ ۱۲۲۵ ش در تبریز دیده به جهان گشود.



شش ساله بود که در مکتب‌خانه‌ی ملا عبد العلی به تحصیل آغازید و سپس صرف و نحو را فرا آموخت. در یازده سالگی همراه والدش به تهران رفت و نزد ملا علی نهاوندی در مدرسه‌ی ملا آقا رضا به ادامه‌ی تحصیل پرداخت. علوم جدید را در مدرسه‌ی نظامی سپری نمود و در سال ۱۲۶۴ ق به مشهد رضوی رضوی رهسپار شد. در کنار علوم متداول ادبی و فقهی به فراگیری دانش‌های عقلی نزد ملا ابراهیم سبزواری (از شاگردان ملا هادی سبزواری) همت گماشت و سپس راهی عتبات عالیات شد.

فقه و اصول عالی را در کربلا و نجف اشرف به نزد حضرات آیات: میرزا حبیب الله رشتی، شیخ زین العابدین مازندرانی و فاضل ایروانی فرا آموخت و در طی مسافرت‌هایش به حجاز و اسلامبول و هندوستان، به تحصیل و تدریس و فعالیت‌های سیاسی پرداخت. ابو الحسن میرزا دانشور سرشناسی بود و در سرودن اشعار فارسی و عربی مهارت داشت. تخلص شعری او «حیرت» بود. لقب «شیخ الرئیس» از سوی ناصر الدین شاه بدو

بنیت عالی
این سید فیضی که امام جمعه کلمه
بجهان شده قدرت حرکت بار آورده
مسافرت ندارد شرح حالی برای
ضعف الطالب لعل اگر چه
ارباب سال مضامین طبع قدرت
سپهر بط کلمه بی موعده ای
عرض تو را نمی داند ولی چنان در غایت
فلاکت و استعانت به قدرت
و استعانت به حق او خدای
مذلل و آبروشده در این
عصر و حال و فکر و چنان
والا در این راه

عطا شد و چندی در آستان قدس رضوی
از سوی شاه خدمت نمود. امامت و
ریاست شفاخانه‌ی آستانه نیز بر گردن وی
بود. از رجال پارلمانی دوره‌ی قاجار بود و
در مسیر مشروطه و آزادی خواهی گرفتاری-
های چندی را به جان خرید. ماجراهای
زندگی وی به تفصیل در کتاب «رهبران
مشروطه» آمده است.

نامبرده روز سه‌شنبه ۹ رجب
۱۳۳۸ ق/۱۰ فروردین ۱۲۹۹ ش بدرود
حیات گفت و در ایوان مقبره‌ی ناصر الدین
شاه در حرم سید عبد العظیم حسنی مدفون
گشت.

نمونه سروده

در مستزادی بلند به مطلع زیر سلطان
عبد الحمید عثمانی را ستوده است:

مسجد أسس بالتقوی علی أسّ جدید
وهو من عبد الحمید
ملک قد صار فی الآفاق ذا قصر مشید
فله ظلّ مدید

سهمه يوم الغزا أنفذ من سهم القضا

و به ضاق الفضا

رمحه يتلوا على الكفار آيات وعيد

وبه للدين عيد.

بعد الدهر بالكرام يعادي
لا تنقضوا أبداً عهد ودادي
قد كذّرتّه أعين الحساد
شغف الكليل بذكر طيب رقاد
إنّي لفي واد وهم في وادي
سأه عن الأوطان والأولاد
ذل إلا ماجد دولة الأوغاد
حكم الثعالب في شرى الآساد
إن صبني خصم عنود عاد
لما طغى فرعون ذوالأوتاد
ابن الدعي بسيد السجاد
وبزبد طغياناً على بن زياد
طرب النشيد ولذة الإنشاد
ما عنّ لي فرح بصوت الشاد
من كل باب قبلتي ومرادي
ساوي عكوف حريمه للبادي

يا أرض طوس طال منك بعادي
يا جبرتي بحمي الرضا حميم
لم أنس مورد أنسكم أهل الصفا
إنّي لمشعوفٌ بذكركم كما
دع لآلهم وذرههم في حوضهم
أيظنّ عدّالي بأنّي سال
وأقيم في وطن بناديننا أرى
والأسد من غاباتها تجلو إذا
ما خف ميزاني لدى أهل النهى
نسب الكلیم إلى السفاهة ساحراً
أو ما سمعت بما جرى لمتا سطى
لكنّ ظالمنا العنيد لقد طغى
يا صاح لا يمحو هموم فؤادي
وعناء قلبي في الغناء عن الغنا
وجهت وجهي للرسول وبابه
وجنابه العالي مقام أمن

والله لا يصفو كدورة خاطري
 قطب الوجود ومن سما فوق السماء
 والله أظهره على دين التقى
 أعطاه بالنصر العزيز السامي
 من شأنه أنهى تعالى شأنه
 فلأجل نفسي اصطنعت محمداً
 بالضاد والقرآن ذي الذكر الذي
 المرسل الأمي أخبر صادقاً
 بشر ولكن فيه معنى عابق
 وله مناقب إن تعدوا دائماً
 يا أرض طيبة طبت إذ شرفت من
 نجم الهدى في أفق تربك قد هوى
 يا سيد الثقلين إنني نملّة
 فأسمع توسل مشتكٍ مظلوم
 وإليك يا خير الأنام المشتكى
 يا صاحب الشرع المقدس فانتقم
 يا ليت قومي يعلمون بأنني
 عميت عيونهم فهلا ابصروا
 يا منطق الحساب إنك منطقي
 ووهبت لي ملك البيان فهذه

إلا بتربة صفوة الإيجاد
 المصطفى الطهر النبي الهادي
 رغباً لأهل الكفر والإلحاد
 عزّ أوان كرهت ذوو الأحقاد
 في ليلة الإسراء والإصعاد
 ولذاته العليا خلقت عبّادي
 يروى ظما الصادي ببحر الضاد
 أني لأفصح من أتى بالضاد
 فالعود ليس كسائر الأعواد
 لا تنتهي كمراتب الأعداد
 جسد بروحي أطيب الأجساد
 وبنوره هدى الورى برشاد
 وقصيدي هذي كرجل جرّاد
 يا سيدي ومعولي وسنادي
 من سهم عدوان أصاب فؤادي
 منه وبرّد حرفة الأكباد
 من نار جذيتك اقتدحت زنادي
 ومضان نارك من خلال رمادي
 فلك البيان وإنني كجماد
 خيل البلاغة صافنات جواد

ولقد أتيتك سائلاً من نائل	أخيبت مسكين بباب جواد
وإذا دهاني حادث مستنكر	فحمدك في الحادثات عمادي
وإذا تزود متيق لمعاده	فولاء أهل البيت زاد معادي
وذا أعدّ لشدة من شدة	فواد آل محمد إعدادي
لا تحسبن الله مخلف وعده	إنّ الكريم لصادق الميعاد
ولسوف ينصر عبده من عنده	فأصبر فإنّ الله بالمرصاد
يا أيها البدر التمام ونوره	عال من الإطفاء والإخماد
فعليك آلاف التحيّة والثنا	ما طابت الروضات بالأوراد
أنصار دينك لا تزال أعزة	ومقربين تعيش في الأفراد
وخصام شرعك لا تزال أذلة	ومقربين تقاد بالأصفاد

در سروده‌ای به زبان فارسی اوضاع روزگار قاجار را چنین وصف می‌کند:

نکشد اگر اجل، اندیشه‌ی ایران کُشدم	فکر این مملکت یک‌سره ویران کُشدم
من نه آشفته‌ی گیسوی پری رویانم	حال آشفته‌ی این خلق پریشان کُشدم
گفتم از دولت خود چاره‌ی ملت طلبم	با که این درد توان گفت که درمان کُشدم
حرم امن بسی دور و از آن می‌ترسم	عاقبت سرزنش خار مغیلان کُشدم
فکر قانون و شفایی بکن ای شیخ	ورنه رنجوری با رنج فراوان کُشدم

این سروده نیز به زبان فارسی درباره‌ی برخی مسائل حزبی در مجلس شورای ملی آن روزگار سروده شده است:

ای ماه مجلس آرا از ابروی هلالی چشم تو انقلابی، قد تو اعتدالی

رقص تو ارتجاعی، نام تو امتناعی وصل تو اجتماعی، هجر تو اختلالی
 ای از همه بُتانِ به، ما لاغر و تو فربه آزادی‌ای به ما ده، ای سروِ لیبرالی
 ما حزب مؤتلف مات، با فرقه‌ی دموکرات اُفت کنیم هیئات، فکری بود محالی
 در مجلس مقدس با قامتی مَقوَّس شعری بدیع و نو رَس بسرودم ارتجالی

آثار مکتوب

- (۱) اتحاد اسلام [به نام سلطان روم]؛
- (۲) منتخب النفیس [سروده‌های عربی و فارسی و منشئات که به سال ۱۳۱۲ ق در بمبئی انتشار یافت.];
- (۳) رافع الأوهام [رد مدعیان جدید نبوت]؛
- (۴) کتاب الأبرار [رد احمد قادیانی مدعی مهدویت].

منابع

- تذ انجمن‌های ادبی شیراز ۲۰۰
- تذ تراجم الرجال (مخطوط)
- تذ دانشمندان آذربایجان ۲۱۱
- تذ رجال بامداد ۴۲-۴۳
- تذ رجال پارلمانی ایران ۴۹۴-۴۹۷
- تذ رهبران مشروطه ۵۶۲/۱-۵۹۱
- تذ روزنامه اعتماد السلطنة ۷۱۵
- تذ ریحانة الأدب ۷/۲-۸
- تذ سخنوران آذربایجان ۳۲۰/۱-۳۲۶

قلمی سخنوران نامی معاصر ایران ۱۲۱۵/۲-۱۲۲۰

قلمی مدینه الأدب ۷۷۳-۷۵۲/۲

قلمی مشاهیر ادب ۱۰۸-۱۱۵

قلمی نقباء البشر ۸۴۸/۲



میرزا ابو القاسم، فرزند ملا محمود آقا سلماسی، در نجف اشرف زاده شد. چندی در نجف اشرف به تحصیل پرداخت و سپس جهت تبلیغ و ارشاد رهسپار هند شد. نامبرده در سال ۱۳۵۳ ق بدرود حیات گفت و در نجف اشرف مدفون گشت. محمود و ابراهیم دو فرزند وی بودند و زهراء بیگم تسوجی عیال او بود. به فارسی و عربی شعر می گفت و بخشی از سروده هایش در پایان دیوان همسرش زهراء بیگم آمده است. دسترسی به سروده های وی ممکن نشد.

اثر مکتوب

(۱) دیوان شعر [چاپ شده در پایان دیوان همسرش زهراء بیگم تسوجی].

منبع

قلمی معجم رجال الفكر والأدب ۳۰۰/۱



میرزا ابو القاسم، فرزند میرزا علی قاضی، در شهر شیشه‌ی آذربایجان زاده شد. با فراگیری دانش‌های آغازین و به منظور تکمیل دروس عالی رهسپار اصفهان و نراق شد و از محضر حاج ملا احمد نراقی مستفید شد. آنگاه به عتبات عالیات مشرف گشت و پس از نیل به شرف اجتهاد، راهی زادگاه خود شد.

نمونه سروده

مَنْ بِهِ نَوَّرَتْ عَيْنَ الْكَائِنَاتِ
مُنْتَهَى الْآثَارِ قُطْبُ الْمَمَكِنَاتِ
نُورٌ حَقٌّ قَدْ أَتَى بِالْمُعْجَزَاتِ
مُطْلِعُ الْغَيْبِ إِلَهِي الصِّفَاتِ
مُظْهِرُ الْآيَاتِ كَشَفَ الْبَيِّنَاتِ
مَرْجُ الْبَحْرَيْنِ دَرِّ الزَّاهِرَاتِ
وَالْحُسَيْنِ الْمَمْتَحِنِ بِالْكَرْبَاتِ
وَعَلَى الْبَاقِرِ سِرِّ الْمَنْزَلَاتِ
وَعَلَى الْكَاطِمِ نُورِ الْهُدَاتِ

رَبَّنَا صَلِّ عَلَى شَمْسِ الْأَزَلِ
مَبْدَأِ الْأَكْوَانِ خَتَمِ الْأَنْبِيَاءِ
أَحْمَدِ الْمَحْمُودِ فِي عَرْشِ الْإِلَهِ
وَعَلَى مَنْبَعِ أَسْرَارِ الْوُجُودِ
الْعَلِيِّ وَالْوَلِيِّ وَالْوَصِيِّ
وَعَلَى الزَّهْرَاءِ بِنْتِ الْمَصْطَفِيِّ
وَعَلَى شَمْسِ الْوُجُودِ الْحَسَنِ
وَعَلَى السَّجَادِ عَزِّ الْأَوْلِيَاءِ
وَعَلَى الصَّادِقِ مِفْتَاحِ الْعُلُومِ

الرضاء بالقضاء روح الحيات
حسن الخلق قوام الحسنات
رحمة الله ظهيراً للنجات
وتمسك بهداهم سننات
ونجاتاً بهم في العرصات

الذي تاب به آدم فاز وافتخر
ناظم الأمة والشيعه من نار السقر
وله الحسن وفي الخلق حسيباً قد ظهر
باقر العلم وبالصادق من قول أمر
رحمة الله رضى بقضاء وقدر
قائم غاب عن العين تجلّى بأثر
منهم الناظم أبوالقاسم راج بنظر
إرحم اللهم من آمن بالأثنى عشر
المحبين نجوا في عرصات المحشر

وعلى أركان علم ويقين
وعلى المشرق جوداً أو نقى
وعلى المهدي وجه الأحدي
يا أباالقاسم صبراً بالمحن
وأطلب الرحمة ليلاً ونهاراً

أسئل الله بمن كان شافعياً للبشر
مظهر الحق بنور هو من على
حسن الخلق خليق بعظيم الخلق
ساجد الحق وفي آدم مسجود الملك
كاظم الغيظ حلیم وسليم النفس
صاحب الجود جواد ونقى هادي
يغفر الله به شيعة من أمته
بنبي وولي ووصي ووفي
آل ياسين وطه الذين طهروا

اثر مكتوب

(١) ديوان شعر.

منبع

تج رياض عاشقين ٣٨٥-٣٨٦



میرزا ابوالمکارم (سید عزیز الدین محمد)، فرزند سید ابو القاسم موسوی زنجان، در سال ۱۲۵۵ ق تولد یافت.

پس از پایان تحصیلات مقدماتی در زنجان، راهی قزوین شد. چندی به تحصیل پرداخت و در سال ۱۲۷۸ ق قزوین را به مقصد نجف اشرف ترک گفت. در محاضرات شیخ مرتضی انصاری مشارکت جست و پس از فوت وی، نزد بزرگانی چون: سید حسین کوهکمری، میرزای شیرازی و دیگران به دانش اندوزی اشتغال جست و مراتب بلند علمی

را نایل آمد. وی در سال ۱۲۸۸ ق به زنجان مراجعت نمود و به زعامت محلی پرداخت.

۲۸ ربیع الأول ۱۳۳۰ ق در زنجان بدرود حیات گفت و در همان جا در مقبره‌ی والد خود مدفون گشت.



نمونه سروده

دعي الجد ما دامت لدى الوسوس
فللجد لو عادت عليه علومنا
مع العين كم من دبعة لجفونها
زعمت لدى قلبي شقيقاً محامياً
فأحرقت قلباً لم يزل كان دامياً
فإن رابك الصدق الذي قد أزعته
فشتان ما بين المقالين إنني
لعمرك أحمي عن حماك وإنما
عقدت لها عهداً ولم الدعوة
فلاغرو ولو حاولتها بلسانها
فلما رأت متي ثباتاً ونائلاً
تبيين بشرى وجهها فتمايلت
بوجه ترى ماء الحياء في جبينها
فحلت فؤاداً كان مذكاً معقلاً
تقول وقد تبنا ولان كلامنا
بشوب ترانا واحداً فكأننا
وليس تشهدنا غير الكواكب أعين
فبت وباتت لا تذوق غرارها
وفرحة ليل يالها من ملالة

خذي الهزل ما كانت على البساس
وللهزل ما دارت ما دارت علينا المدارس
مع القلب كم حلت عليه القوامس
وقلت لدى الأخرى طيب معافس
وأبكي قلباً أسهرتنا الهنادس
فقد رابني منك المقال الملايس
لموفٍ يعهدي يوم تخلو المعارس
هي الشيمة العليا وفيها أنافس
بأنني على العهد المقدم سائس
فإنني على أمثال تلك ممارس
وإن فؤادي للتبصر شائس
على وغصن القدر آه ومائس
كزهرة رمان لها الطل غامس
وقادت ذلولاً طال ما هو شامس
وجدك لا واش علينا وحارس
جنيان في بطن إذا هل خامس
وحول خيام الليل منها حوارس
إلى أن بدى من دجى الليل عاطس
إذا كنت أحكيها لمن هو آيس

کذا حالنا لیلأ و لیلأ و قالثأ

ولیلین واللیل المودع سادس

از ملمعات اوست:

قد أتنا الحبيب بالبشرى
گفت برخیز هین که شد پیدا
قلتُ دع عنک من رطانتنا
چو نشنید این سخن به خنده مرا
قم فبشر فإننا جنناک
دیدم آن دوستان همه خندان
فأحاطوا علیّ من وجد
همه دامن کشان دیاپوش
ثم صَبَّوْا عَلَیّ من حولي
ریخت بر سر مرا و تن نیکو
شَبَّ قَلْبِی کز هرة آلاس
رفت اندوه دل ز من یکسر
فسقاني بجرعة من كأس
دیده‌ام برگشود و جان دیدم
فتغنّوا بأنّ هذا هو
آنچه پوشیده بود شد پیدا
إنّ هذا عطاؤنا فأمّن
آفرین‌ها بر شکفت نوید

حولہ عصبة من الأتراب
آنکه دل داشتی برش در تاب
وأبشّرني بلهجة الأعراب
داد پاسخ بتازی‌ام بی‌تاب
للبيشارات معشر الأحياب
لبشارات معشر الاحیاب
چون گلان بوستان نموده خضاب
وأشاروا إليّ بالإعجاب
وآشاروا إليّ بالإعجاب
همه شیرین رخ و همه شاداب
من قوارير قطرها جلاب
شستم برش گفتم از آن آب
ماس جسمي كسافة اللبلاب
جستم از بهر شرده‌اش بشتاب
ببدلتني بصحو ذي الألباب
روزگاری گذشته بود خراب
مغسل بارد وفيه شراب
جلوه‌گر آمد و درید حجاب
أو تمسك لها بغير حساب
مرحبا بر چنین ستوده جواب

آثار مکتوب

- (۱) حرمة الخمر؛
- (۲) شرح دعاء الکمیل؛
- (۳) الصبح الصادق في وظائف المسلمان؛
- (۴) لطائف الكلام في حرمة استعمال أواني الذهب والفضة وما يلحقها من الأحكام؛
- (۵) مفتاح الظفر في حكم صلاة السفر؛
- (۶) التحية المباركة في أحكام السلام؛
- (۷) معارج الرضوان في الأصول والفروع؛ ۵
- (۸) تعليقات بر رسائل شيخ انصاری؛
- (۹) حواشی بر برخی مسائل کتاب ریاض؛
- (۱۰) جواب السؤال عن آیات بدو الخلق؛
- (۱۱) ردّ الشمس لسليمان؛
- (۱۲) سوانح سفر الحجاز.

منابع

- ✍ اثر آفرینان ۱۶۷/۳
- ✍ أعيان الشيعة ۶۳/۹
- ✍ تاریخ زنجان ۱۰۴-۱۰۶
- ✍ دعوت حق ۱/مخطوط
- ✍ شخصیت شیخ انصاری ۴۰۴
- ✍ علمای معاصر ۴۷۴-۴۷۵

الفهرست لمشاهیر وعلماء زنجان ۱۲۷-۱۳۲ (اغلاط بسیاری در ضبط سروده‌ها وجود داشت و متأسفانه منبع دیگری برای تصحیح آن‌ها نیافتیم.)

مرآة الشرق ۱/۲۲۶-۲۲۷

مرزداران فقاقت ۳۲-۳۳

معجم المؤلفین ۱۲/۳۱۸-۳۱۹

معجم رجال الفكر والأدب ۲/۶۳۲

مع علماء النجف الأشرف ۲/۳۹-۴۰

مکارم الآثار ۵/۱۵۰۲-۱۵۰۳

تکملة نجوم السماء ۱/۳۴۰

نقباء البشر ۱/۸۰-۸۱



ابو جنید (نام اصلی: ابو النصر) اردبیلی به سال ۵۳۵ق در اردبیل زاده شد. سال ۶۰۶ق رهسپار بیت الله الحرام شد و در بازگشت از حرمین شریفین به بغداد رفت. با دانشوران بغداد مرتبط شد و استفاده‌های علمی از آنان نمود. ابو عبد الله دبیشی با وی در بغداد دیدار داشته و بخشی از سروده‌های او را یاد نموده است. وی همچنین سروده‌های ابن تمیم بن سعد مصری را از اردبیلی شنیده بود.

منبع

تذکره شعرای آذربایجان ۱/۱۵



احمد، فرزند ملا مصطفی و نوهی احمد بن مصطفی بن احمد خوئینی قزوینی، مشهور به ملا آقا، شب ۱۷ ربیع الأول ۱۲۴۷ ق در خمسه‌ی خوئین دیده به جهان گشود. در خوئین به تحصیل آغازید و سپس رهسپار قزوین شد. نزد ملا ابی طالب بهشتی قزوینی و ملا عبد الکریم ایروانی به تحصیل پرداخت و پس از چندی به اصفهان رفت و نزد بزرگان زمانه‌اش بمانند حاج آقا محمد کرباسی اصفهانی و میرزا حسن اصفهانی مدرس به تقویت بنیان علمی خود اشتغال جست. آنگاه به سال ۱۲۶۷ ق راهی دانشگاه علوی علوی شده، با تکمیل دروس اجتهادی و ارتقا به مراتب بلند دینی، به زادگاه خود مراجعت نمود. فاضل اردکانی در کربلا و شیخ انصاری و شیخ راضی نجفی در نجف اشرف، اساتید او بودند.

تالیف کتاب و تربیت طلاب علوم دینی را عهده‌دار شد و ریاست روحانیون قزوین بدو محول گشت. پنج فرزند داشت و همگان در ردیف دانشوران دینی قرار داشتند. وی به سال ۱۳۰۷ ق بدرود حیات گفت.

نمونه سروده

بيت آغازين أجوزة:

قال فقيه الدهر ابن أحمد

أحمد بن المصطفى بن أحمد

...

نظمتها مسافراً بالخمسة

فصانها الله بحق الخمسة

بيت پایانی:

في خمسة الأيام هذا قد نظم

بسم الإله والنبى قد ختم.

آثار مكتوب

(۱) الاستصحاب؛

(۲) أجوبة مسائل متفرقة؛

(۳) مجموعة متفرقات؛

(۴) مختصر مليحة؛

(۵) حجية الظن؛

(۶) حاشية على الرياض؛

(۷) حاشية على الإشارات؛

(۸) حاشية قوانين الأصول؛

(۹) حاشية نجاة العباد؛

(۱۰) حاشية صيغ العقود؛

(۱۱) حاشية على تفسير الصافي [ناقص]؛

(۱۲) مرآة المراد في الرجال؛

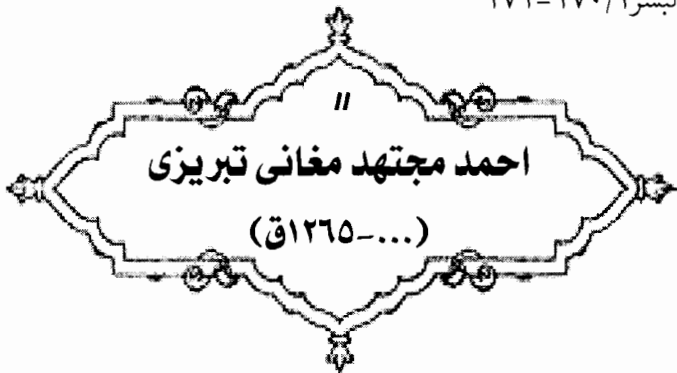
(۱۳) رسالة في الجبر والتفويض؛

(۱۴) رسالة في البداء؛

- (۱۵) المختار من الأصول العملية؛
- (۱۶) الفقه [أربع مجلدات]؛
- (۱۷) رسالة في الإرث؛
- (۱۸) ترجمة رسالة الإرث؛
- (۱۹) الوجيزة في الدراية؛
- (۲۰) أرجوزة في الديات.

منابع

- تأه أعیان الشیعة ۱۷۵/۳ (تولد: ۱۲۴۶ق)
 تأه تراجم الرجال/ مخطوط
 تأه فرهنگ نام آوران قزوین ۱۰۴۷/۲-۱۰۴۹
 تأه الفهرست لمشاهیر و علماء زنجان ۲۵-۲۶
 تأه مرآة الشرق ۱۶۶/۱-۱۶۷
 تأه مکارم الآثار ۱۲۴۹/۴-۱۲۵۰؛ ۱۲۹۶-۱۲۹۷
 تأه نقباء البشر ۱۷۰/۱-۱۷۱



میرزا احمد، فرزند میرزا لطفعلی مجتهد مغانی تبریزی، از دانشوران بزرگ اواخر عصر
 زندیه، در تبریز زاده شد.

در خاندان دانش و ادب پرورش یافت و به دربار زندیه وارد شد. شوق تحصیل او را به استعفا از مناصب دولتی و ادار ساخت و جهت ادامه‌ی تحصیل به اصفهان کوچید. پس از چندی رهسپار عتبات عالیات گشت و از محضر سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض المسائل»، در کربلا کامیاب شد. آنگاه به زادگاه خود مراجعت نمود و حکومت شرعی آذربایجان را پس از والدش عهده‌دار شد.

از سید علی طباطبایی و ملا محمد سعید دینوری قراچه‌داغی اجازه‌ی حدیث داشت و از آنجایی که فرزندان در ردیف دانشوران دینی قرار داشتند، بدان‌ها اجازه‌ی روایت بخشود. وی به زبان عربی و فارسی شعر می‌سرود و «ساکت» تخلص می‌کرد. «الحصون المنیعة» و به تبع آن «شعراء الغری» بیتی از مجتهد تبریزی آورده، شاعر را شناخته‌اند.

مجتهد تبریزی به روز ۲۷ رجب ۱۲۶۵ ق بدرود حیات گفت و پیکرش پس از انتقال به نجف اشرف در مقبره‌ی خاندان مجتهد قراچه‌داغی مدفون گشت. «باغ ارم جای او» ماده تاریخ وفات اوست.

نمونه سروده

در مدح امام زمان علیه السلام قصیده‌ی ۴۰۰ بیتی سروده است که چند بیت آن نقل می‌شود.

ولي الإله صاحب الأمر في الوری	بسیفه شمل الحق یُرجی انتظامه
إمام الهدی بحر الندی من به اقتدی	مسیح فطوبی من به ائتمامه
هو الشمس في الإشراق لولا أفولها	هو البدر في الأنوار لولا اغتیا به
هو الخلف المهدي من آل أحمد	عنان الهدی في کفّه وزمامه
سیملاً دهر أقسطه بعد ما ملا	بسیط البسیط ظلمه واهتمامه
ولولاه دین الحق ذلّ وما بدی	علی کل دین عزّه وتمامه

فدیٹک قد طال المدی واعتدی العدی
وقد غيروا دين النبي بجهلهم
كرام الوری في الدهر صاروا أذلة
إلى مَ أقاسی لوعة الوجد في النوى
این ساقی نامه از اوست:

دلا یکدم از خواب بیدار شو
چرا مانده‌ای دور از اصل خویش
چرا آخر ای مرغ قدسی نفس
چه شد گر دو روزی تو ای بینوا
غریب از دیار حقیقت شدی
به قید طبیعت شدی پای بست
بر افشان تو ای مرغ قدسی مکان
به خود روزنی زین قفس برگشا
ز پا بگسل این دام دار غرور
مُغنی بیاساز کن ارغنون
بیا ساقی من به قربان تو
بده یادگار جم کامگار
می‌ای ده که افزایشم عقل و جان

ورکن الهدی والعدل بان انثلامه
فحرم حلّ الشرع حلّ حرامه
وساد علی الأشراف فیها لثامه
بقلبي جرح لیس یرجى التیامه

وزین مستی طبع هوشیار شو
چرا نیستی طالب وصل خویش
همی کرده‌ای خو به خاکی قفس
ز یاران و احباب گشتی جدا
گرفتار دام طبیعت شدی
فراموش کردی عهد الست
پر و بال ز آمیزش خاکیان
به صف سماواتیان پرگشا
پیر تا به اوج سرای سرور
که آمد به سر باز شور جنون
فدای تو و عهد و پیمان تو
که با هر مزاجی بود سازگار
فتد بر دلم عکس روحانیان

عوض آنچه باید به عقل و خرد
شمرده خبیث و نموده حرام
نموده است نامش شراب طهور
در افکنده در دهشت ادراک را
بده یک قدح ز آن می غم گداز
کنم سیر با فوج افلاکیان
به دور افکنم نام و ناموس را

ستانند مرا از من، اما دهد
نه ز آن می که شرع رسول انام
از آن می که پروردگار غفور
در آورده در رقص افلاک را
بیا ساقی ای مشفق چاره ساز
که بر هم زخم عالم خاکیان
بسوزم از آن دل‌ق سالوس را

آثار مکتوب

- ۱) منهج الرشاد فی شرح الإرشاد؛
- ۲) دیوان شعر [فارسی و عربی]؛
- ۳) فقه عملی [به درخواست مومنان و در روز پنجشنبه ۲۸ شعبان المعظم ۱۲۳۶ ق نگاشته شده است].

منابع

- تله اثر آفرینان ۱۲۰/۵
تله أعيان الشيعة ۶۹/۳
تله تاریخ دشت مغان ۴۳۷-۴۳۹
تله تاریخ و جغرافیای دارالسلطنة تبریز ۱۲۷-۱۲۸؛ ۲۱۰-۲۱۱؛ ۲۲۳
تله تبریز ما ۱۲۱۸/۳-۱۲۱۹
تله تذکره پیمانه ۲۱۳-۲۱۴

- تذکره شعرای آذربایجان ۲/۴۲-۴۴
- تراجم الرجال/ مخطوط
- تدانشمندان آذربایجان ۸۰
- تدعوت حق ۲/ مخطوط
- تدیحانة الأدب ۵/۱۷۶-۱۷۷
- تدستارگان درخشان آسمان علم و فقاہت اهر و ارسباران ۳۱-۳۴
- تدسخوران آذربایجان ۱/۲۰۱-۲۰۳
- تدسیمای تاریخی ورزقان ۵۴
- تدشعراء الغری ۱/۲۵۶
- تدشہیدان راه فضیلت ۵۴۶-۵۴۹
- تدعالمان آل محمد ۴۸۰-۴۸۱: ۴۷۷-۴۷۸
- تدالکرام البررة ۱/۱۰۲-۱۰۳
- تدمرآة الشرق ۱/۱۳۲
- تدمشاہیر ادب ۴۹-۵۱
- تدمعجم رجال الفکر والأدب ۱/۲۹۲
- تدمعجم المؤلفین ۲/۵۴
- تدمفاخر آذربایجان ۱/۲۸-۳۰
- تدمکارم الآثار ۵/۱۷۹۰-۱۷۹۱
- تدنامداران تاریخ ۲/۲۰۸-۲۱۰